

این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزیهاست. بریزید خونها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۸۳



اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسانها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه‌ی ما است.



ماهنامه فرهنگی - علمی و سیاسی عهد/ دانشگاه اصفهان  
پیرامون فرهنگ توحیدی انقلاب اسلامی  
سال دوم/ شماره سوم/ فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳ / ۸ صفحه



\* إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْبَةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بَعْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبِعْعِكُمْ الَّذِي يَتَّبِعْكُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه-۱۱۱)

# تشکیل و تحقق حکومت اسلامی

## مقدمه‌ی مهم تر از اصل در سیر الی الله

صفحه ۳

...تمدن غرب به دنبال سیطره فرهنگی برجهاست و این فرهنگ، فرهنگ ناشی از اندیشه بریده از وحی و مبتنی بر عقل خود بنیاد است...  
صفحه ۲

عالمی دیگر بیاید ساخت،  
وز نو آدمی...  
سجده

... پس تمدن اسلامی وسیله اتصال زمین است به آسمان برای طراحی و ایجاد تمدن اسلامی باید به سراغ قرآن رفت و مبانی آن را از قرآن استخراج کرد، چرا که...  
صفحه ۴

قرآن در تمدن اسلامی

...در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب‌کنندگان فرهنگ انجام می‌دهند این است که به جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج می‌کنند...  
صفحه ۵

درباره‌ی فرهنگ (۳)،  
به بیان ولایت

...تمدن نوین اسلامی راهی هموار برای رساندن اکثر و با همه‌ی انسان‌ها به سر منزل مقصود و کمال است. چیزی که هدف تمام انبیاء و اولیاء الهی بوده و...  
صفحه ۶

چرا نیاز به تمدن؟!؛

...لذت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش می‌دانند و اصالت را به لذت بردن می‌دهند و خود را در انتخاب روش رسیدن به این لذت آزاد می‌گذارند...  
صفحه ۷

اصالة اللذة  
ماهیت فرهنگ غرب (۲)

...ما باید زمان خودمان را بشناسیم و بدانیم که احوالات زمان ما چگونه است و این زمان روی به کدام سمت و سو دارد و به کجا می‌رود...  
صفحه ۸

ما و انقلاب (۳)

## عالمی دیگر بیاید ساخت، وزنو آدمی...

خانم پور کبیربان

در باب جهاد فرهنگی:

تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم... ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم».

موجودیت و اساس هر جامعه‌ای را فرهنگ آن جامعه تشکیل می‌دهد. فرهنگ، مجموعه اعتقادات و باورهای یک ملت است. فرهنگ، مانند هوایی است که در آن نفس می‌کشیم و اهمیت آن به اندازه‌ای است که در صورت وابستگی فرهنگی، استقلال در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... امکان‌پذیر نیست.

در عصر جدید، نوع خاصی از تفکر و اندیشه بر همه جای جهان بشری سایه افکنده و سرنوشت بشر را تحت تأثیر خود قرار داده است و بشر را به سمت و سویی خاص می‌برد. تمدن غرب به دنبال سیطره فرهنگی بر جهان است و این فرهنگ، فرهنگ ناشی از اندیشه بریده از وحی و مبتنی بر عقل خود بنیاد است.

دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ برای نابودی دین و دین‌داری، تلاش‌های فراوانی کرده‌اند و کیدهای فراوانی برای برچیدن سباط اسلامی به کار برده‌اند و با پیشرفت زمان، روش و شیوه‌های مبارزه با اسلام و تعلیمات ناب آن را نیز عوض کردند و ترفندهای گوناگونی برای حاشیه‌نشینی اسلام اصیل از متن حیات مسلمانان به کار بردند.

انقلاب اسلامی، تجلی اراده مردمی بود که بر این باور بودند که باید از غرب و فرهنگ غرب بگذرند. انقلاب اسلامی رجوع به فرهنگ ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم بود. انقلاب اسلامی راه‌گذر از جهان غربی است.

این حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام‌شده نیست؛ آن حرکت ادامه دارد. امروز نیز باید در مقابل جبهه‌ی عظیم جهانی فساد و ضلالت و گمراهی قد علم کرد و ایستاد. آن روز می‌دانستیم باید مبارزه کنیم، امروز هم باید مبارزه کنیم. ما برای مبارزه‌ایم؛ منتها شکل، و ابعاد این مبارزه تفاوت کرده و مبارزه پیچیده‌تر و سخت‌تر شده است؛ مبارزه برای استقلال فرهنگی بسیار سخت است و بسی خون دل باید خورد. «الآن طرف مقابل ما، جبهه استکبار و ظلم و پنهان شدن زشت‌ترین خویهای موجود در انسان گمراه در زیر پوششی از چهره‌ی متبسم و ادکلن زده و قیافه‌ی کراوات بسته، پنهان شده است!» امام خامنه‌ای

اگر از مبارزه در راه آرمان‌هایمان دست بکشیم و لحظه‌ای غفلت کنیم، همان بر سرمان خواهد آمد که دنیای اسلام و امت اسلامی و ملت‌های این منطقه در طول قرن‌ها بر سرشان آمد. سختی‌های مبارزه را باید تحمل کرد تا بتوان به جایگاه شریف و عزیز انسانی رسید.

جهاد فرهنگی ادامه نهضت انبیا و اولیا است. زندگی پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام سراسر مبارزه و جهاد است. سیدالشهدا (ع) برای حفظ نهضت قیام کرد و با شهادتش مکتب را حفظ کرد. از ابتدای تاریخ تا به امروز جهاد ادامه دارد...

جبهه فرهنگی سرباز می‌خواهد و برای آمدن امامان باید وارد میدان مبارزه شویم. «اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست. جریان‌های انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می‌کردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ می‌کنند که امام زمان می‌آید و اوضاع را درست می‌کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم!

تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینی‌شان زمینه‌های مستحکم و ماده‌ی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این‌طور فاجعه به بار می‌آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه الصلوة و السلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌ی خودتان مشاهده می‌کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست.» امام خامنه‌ای

امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی (ص) است. انشاء الله این مبارزه را با هشیاری کامل، با ایمان کامل، با تلاش همه‌جانبه انجام دهیم و صیغه‌ی را ترویج شعائر اسلامی تعظیم. به امید اهتزاز پرچم لا اله الا الله در سرتاسر جهان.

## مقدمه‌ی مهم تر از اصل، درسیرالی‌الله

خانم سراج

الحق و الهی زیستن، موانع کمتر بود اما اکنون، جامعه و نظاماتش تحت حاکمیت و راهبری روح مدرنیته است و راه رفع موانع آن است که نظام‌های جامعه؛ نظام فرهنگ، تعلیم و تربیت، اقتصاد، سیاست، نظام ازدواج و خانواده و نظام تغذیه و سلامت و سایر نظام‌های خرد و کلان تشکیل‌دهنده‌ی یک جامعه، همه منطبق با نظام تکوین «انا لله و انا الیه راجعون» و بر اساس شریعت الهی، تنظیم شده و قوام یابند.

لذا مقدمه‌ی مهم تر از اصل در سیر الی الله؛ «تشکیل و تحقق حکومت اسلامی» یعنی؛ حاکمیت مجموعه نظام‌های تکویناً و تشریحاً الهی، بر جامعه است.

نمی‌توان نسبت به وضعیت موجود بی تفاوت بود، پبله‌ی غفلت دورخود نباید تنبید، دل خوشی‌های کودکانه و فریب دادن خود به این اقوال که؛ نفسی می‌آید و می‌رود، سُکراً هم حقیقت را عوض نمی‌کند. این، حکومت و نظامات آن است که زمینه‌ساز حاکمیت شریعت الهی بر انسان‌ها می‌گردد و یا حیات انسان را به غنی (مقابل رشد) و گمراهی می‌کشد. نظاماتی که افراد وارد آن می‌شوند و بر مبنا و موجودیت تعریف شده برای آن تربیت و تنظیم می‌گردند. برون ده این سیستم مطابق با پیش‌فرض‌های وجودی و برنامه‌های تشریحی طراحی آن شکل می‌گیرد و باید متوجه بود که خروج از جبر سیستم‌های جاری، ممکن نیست؛ چون خروج از جامعه ممکن نیست.

و لذا نمی‌توان از انسانی که با راهبری پیش‌فرض‌های تکوینی و تشریحی یک سیستم غیر الهی تربیت می‌شود انتظار دست‌یابی به حیات طیبه و سیر تشریحی الی الله داشت.

بنابراین قبل از هر چیز، آن چه بر عهده‌ی ماست مطالبه‌ی حاکمیت نظام‌های الهی بر جامعه است. یعنی مبانی تکوینی و تشریحی همه‌ی نظام‌های حاکم بر انسان در جامعه طبق نظام انا لله و انا الیه راجعون باشد؛ که «الله» جاعل آن و محور جامعه یعنی «ولایت» تبیین‌کننده و تعیین‌کننده‌ی آن است.

بر همین اساس یکی از اولویت‌های مهم و پژوهش‌های بنیادی در نهضت تولید علم، همچنین از وظایف اصلی مجتهدین و فقها تعریف، تبیین و طراحی همین نظامات است.

جامعه باید آگاه شود و مطالبه کند تا عزم ملی، مدیریت جهادی را به صحنه‌ی عمل آورد، چرا که طی منازل سیر الی الله بدون تغییر و تحول بنیادین در نظامات جامعه، ممکن و محقق نشود.

دو محور اصلی در بحث‌های گذشته؛ اول آن است که: ای انسان خودت را دست کم نگیر. اکنون در دورانی به سر می‌بریم که هر که بر طلب حقایق بیدار و هشیار شد و زندگی‌اش را از سیطره‌ی باطل نجات داد، رسته است و هر که همچنان سر در برفِ روزمرگی‌ها فرو برده و بی تفاوت نسبت به وظایفش منتظر است تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند، به یقین بداند که گوشش بر ندای منجی که پیوسته او را به بیداری و توجه به حقایق دعوت می‌کند لا یسمعون است.

ای انسان، به حقیقت خود واقف شو که برای تو ظرفیتی بی‌منتهاست و این ظرفیت را خودخالق، اراده کرده است که او خالق کل شیء است و «انسان» را این‌گونه خلقتی عطا فرمود. «أتجعلون رزقکم أنکم تکذبون» آیا ما رزق خودمان را از آن مقام‌های بالا و ظرفیت‌های بی‌منتهای که وصل و فنای فی الله و بقای بالله است، تکذیب این‌ها قرار داده‌ایم؟

جاهلان کوردل زبان به انکار این حقایق گشوده و چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.

دوم این که؛ انسان، حقیقتی دارد و واقعیتی. حقیقتش همان نظام انا لله و انا الیه راجعون است که همه‌ی هستی بر اساس آن تکوین یافته و واقعیت او همان نحوه‌ی زیستن و سبکی است که برای زندگی‌اش بر اساس شریعت بشری و یا شریعت الهی انتخاب کرده است و اشاره شد که سعادت در آن است که نظام تشریحی حاکم بر زندگی، منطبق بر نظام تکوین باشد. و باید متوجه بود که گزاره‌های شریعت تمدن مدرن که هیچ نسبتی با عالم تکوین ندارد نه فقط دنیا که عقبی و ابدیت انسان را هم نابود خواهد کرد.

پس اصل سخن آن است که «ای انسان حقیقت خود را آن گونه که خلق شده‌ای بشناس و بیاب و به سوی الله برو تا شریعت زندگی ات منطبق با تکوین عالم هستی، واقع شود.»

اکنون می‌پرسیم که خوب، وظیفه چیست؟ مسیر حرکت کجاست؟ و منازل و مواقف این راه کدام است؟ قبل از تبیین راه و ذکر منازل آن، تفکر و تذکر دیگری لازم است که لازمه و زمینه‌ساز تحقق کامل این سیر است و آن این که، آیا می‌شود من بروم در یک جزیره‌ای برای خودم و آن زندگی الهی را محقق کنم؟ اصلاً «چنین چیزی در عالم واقع ممکن است؟

در آن عصری که هنوز شریعت حاکم بر عالم و آدم در سیطره‌ی روح مدرنیته نبود، جامعه فضای دیگری داشت که برای تطبیق یافتن با تکوین هستی و سیر الی

## قرآن در تمدن اسلامی

خانم پور کبیریان

رفت و مبنای آن را از قرآن استخراج کرد، چرا که قرآن کتاب هدایت است و جامع نیازهای بشر و به بیان خود قرآن «تبیاناً لکل شیء» است.

خداوند آیه «تبیاناً لکل شیء» را نازل کرد و به خدا قسم از آنچه انسان به آن نیاز دارد فروگذار نکرد و به خدا قسم هیچ کس قادر نیست بگوید «ای کاش فلان مطلب در قرآن وجود داشت»؛ زیرا هر آنچه انسان نیاز داشته باشد، خداوند در مورد آن، آیه‌ای نازل کرده است. امام صادق (ع) الکافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۱

خداوند به عنوان خالق انسان، محیط بر تمام ابعاد و نیازهای بشر است و آنچه را انسان برای طی طریق و پیمودن مسیر زندگی تا ابدیت نیازمند آن است در قرآن که سفره پهن شده برای همه بشر است ذکر فرموده است. خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت بدان احتیاج دارند، در قرآن آورده و برای رسولش بیان فرموده است. امام باقر (ع)، الکافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲

**هر آنچه که انسان در مسائل فردی و اجتماعی نیاز به هدایت دارد تا به سمت حق سیر کند در قرآن ذکر شده است.** عقاید الهی، مسائل اخلاقی، اجتماعی، اصول سیاسی، مدیریتی، اقتصادی و... همه در قرآن آمده است.

قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است با رساله‌های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۰ قرآن، طرح جامع حکومت و تمدن اسلامی را ارائه می‌دهد که ذاتاً جامعه را به سمت حق سوق می‌دهد. در تمدن اسلامی ایجاد شده، حکم خدا جاری شده و ارزش‌های الهی احیاء می‌شود.

در چنین شرایطی است که افراد جامعه مؤدب به آداب قرآنی و حکومت و دولت‌ها، حکومت و دولتی قرآنی می‌شوند. و باطن افراد از طریق قرآن، به نور هدایت الله منور می‌شود و حقیقت آیه «الله ولی الذین ءامنوا یخرجهم من الظلمات إلى النور» صورت اجتماعی به خود می‌گیرد و جمیع انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی نائل می‌شوند.

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. سوره مائده، ۱۵ و ۱۶. اصلی‌ترین مقصد قرآن، هدایت به سبیل سلامت، اخراج از همه مراتب ظلمات به عالم نور و هدایت به طریق مستقیم است. انسان از طریق تفکر و تدبر در آیات قرآن می‌تواند مراتب سلامت را از پایین‌ترین درجه آن که مربوط به قوای ملکی است تا درجه عالی آن که حقیقت قلب سلیم است طی کند.

**قرآن، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است.** بالجمله، خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدسی خود نازل فرموده و بر حسب تناسب عوالم تنزل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوت الفاظ و صورت حروف درآمده، برای استخلاص مسجونین در این زندان تاریک دنیا رهایی مغلولین در زنجیرهای آمل و امانی و رساندن آن‌ها از حسیض نقص و ضعف و حیوانیت به اوج کمال و قوت و انسانیت. امام خمینی، کشف‌الاسرار.

اینک با مقدمه‌ای پیرامون تمدن اسلامی به نقش قرآن در طراحی و ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌پردازیم: تفکر، نقطه آغاز ایجاد تمدن است. تفکر الهی مبتنی بر شریعت الهی است و عمل به مقتضای آن، فرهنگ و فضایی برای زندگی ایجاد می‌کند و شکل و شاکله و صورت خاصی به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌دهد که تمدن نامیده می‌شود.

تاکنون تمدن اسلامی به معنای واقعی کلمه ایجاد نشده است و تمدن‌های اسلامی معرفی شده، تمدن اسلامی به معنای حقیقی آن نبوده‌اند. تمدن اسلامی به معنای حقیقی، فضایی است که در آن تمام مناسبات فرد و جامعه بر اساس شریعت الهی و اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌باشد. و این مهم تنها تحت هدایت معصوم علیهم السلام امکان تحقق دارد. انسان همواره نیاز به هدایت دارد و این هدایت تنها از طریق کسی می‌تواند صورت بگیرد که معصوم و مصون از خطا و اشتباه باشد تا همواره انسان‌ها را به طریق سعادت رهنمون سازد.

**بهترین تمدن برای آینده حیات بشر، تمدن اسلامی است.** تمدنی که نه تنها روابط اجتماعی انسان‌ها را بر اساس نظام الهی تنظیم می‌کند بلکه روابط معنوی انسان با خالق خود را به اوج می‌رساند. پس تمدن اسلامی وسیله اتصال زمین است به آسمان.

برای طراحی و ایجاد تمدن اسلامی باید به سراغ قرآن

## درباره‌ی فرهنگ (۳)، به بیان ولایت

خانم سراج

«بخش دوم حرف من، درباره‌ی فرهنگ است. من در یک جمله عرض بکنم: عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کیفیت باشد، آثار دیگری دارد...

الآن درباره‌ی تولید داخلی حرف می‌زدیم؛ اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ (مصرف) تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد.

مثلاً در حوزه‌ی اجتماعی، قانون‌گرایی — که مردم به قانون احترام بگذارند — یک فرهنگ است؛ تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای‌ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای‌ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند — وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَاً (۱) — به آن سرنوشت دچار شدند.

بنابراین تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه‌ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم.

اگر یک کسی است که روح استقلال ملی را نشانه می‌رود — الآن هستند کسانی که صحبت استقلال که می‌شود، استقلال را مسخره می‌کنند، می‌گویند این عقباتدگی است، استقلال چیست — و می‌خواهد وابستگی را تئوریزه کند، استقلال را مسخره کند، دل‌های جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند، نمی‌شود در مقابل او بی‌تفاوت ماند؛ باید در مقابل او عکس‌العمل نشان داد. یکی به ضروریات اخلاقی و دینی جامعه اهانت می‌کند، زبان فارسی را مسخره می‌کند، خلقیات ایرانی را تحقیر می‌کند؛ این‌ها هست؛ این‌ها وجود دارد الآن.

آن که ملت ایران را و ملیت ایرانی را و خلقیات ایرانی را تحقیر می‌کنند؛ آن که مبانی اسلامی را در ذهن‌ها متزلزل می‌کنند، آن که شعارهای اصلی انقلاب را مورد تعرض جدی قرار می‌دهند، آن که نهاد خانواده را بی‌ارزش جلوه می‌دهند و ازدواج را بی‌معنی وانمود می‌کنند —

این‌ها امروز در جامعه‌ی ما هست؛ کسانی این کارها را دارند می‌کنند — آن که لذت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش می‌دانند — لذت؛ «اصالة‌اللذّه» همان سوغات فرهنگ غربی است؛ هرچه موجب لذت بشود؛ خوب، یکی با اعتیاد لذت می‌برد، یکی با شهوات جنسی لذت می‌برد، یکی با کتک زدن این آن لذت می‌برد؛ هرچه مایه‌ی لذت کسی باشد، این را مباح می‌دانند — کسانی این حرف‌ها را ترویج می‌کنند، نمی‌شود در مقابل این‌ها بی‌تفاوت ماند. کسانی اباحه‌گری را ترویج می‌کنند. دستگاه‌ها باید احساس وظیفه کنند.

در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب‌کنندگان فرهنگ انجام می‌دهند این است که به جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج می‌کنند. یک ملت تا عزم راسخ نداشته، نمی‌تواند به هیچ جا برسد؛ سعی می‌کنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهم مربوط به سرنوشت کشور به هم بزنند، در آن‌ها تردید ایجاد کنند؛ جای احساس عزت و اعتمادبه‌نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آن‌ها تزریق می‌کنند؛ جای ایمان راسخ، شبهه افکنی و بی‌اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذت‌جویی و شهوت‌رانی و از این قبیل؛ این کارها کارهایی است که انجام می‌گیرد.

اما آنچه نقطه‌ی مهم‌تر عرض من است، خطاب به جوان‌هایی است که در سرتاسر کشور فعالیت‌های فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند که بحمدالله خیلی هم وسیع شده است... کار را هرچه می‌توانند به طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان‌های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است.

علاوه‌ی بر این‌ها، مراجع فرهنگی. مراجع فرهنگی یعنی چه کسانی؟ یعنی علماء، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، این‌ها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته من در مورد تذکرات، معتقدم باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت‌زنی و جنجال‌آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم.

نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشاند. گاهی می‌شود که مسئول، متوجه نیست چه دارد می‌گذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او می‌فهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه‌ی فرهنگ، این است. (۲)

۱- بخشی از آیه ۵۹ سوره مریم

۲- بیانات رهبر انقلاب- ۹۳/۱/۱- حرم مطهر رضوی





# تمدن نوین اسلامی (۱) / چرا نیاز به تمدن؟!

محمد علی ابراهیمی

می‌رسند؟! مطمئناً بسیار اندک هستند. حرف ما این است که زمینه‌ای را محیا کنیم که اغلب افراد راه رسیدن به کمال برایشان سهل و کاملاً دست‌یافتنی باشد، مانند آن کشاورز که هزاران بذر را می‌پاشد و با مراقبت از آن‌ها تقریباً همه‌ی آن‌ها را به کمال خودشان می‌رساند، او چه کار می‌کند؟ همه چیز را در نظر می‌گیرد، از آب دادن به موقع تا کندن علف‌های هرز و ...

یک نمونه بارزی که اغلب برای دوستان مثال می‌زنم فضای جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس است که اگر خوب آن فضا را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم متوجه خصلت‌ها و ویژگی‌های عجیبی می‌شویم که در غیر آن وجود ندارد و یا بسیار کم به چشم می‌خورد مانند روحیه ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی، رابطه‌های خاص با خدا، تقسیم مسئولیت‌ها بر اساس تقوا (اغلب فرماندهی یک گروه، گروهان، تیپ و یا ... از افراد زیرمجموعه خودش دارای تقوای بیشتری بود که این نکته خیلی قابل توجه است.) و ...

در آنجا اکثر افراد مشغول سیر و سلوک الی الله بودند و در واقع شرایط انسان‌پروری در آنجا به وجود آمده بود، وصیت‌نامه‌های شهدا به صورت واضح به این مسئله شهادت می‌دهند. پس شرایطی بود که اغلب افراد را در خود جای می‌داد و آن‌ها را به سمت حضرت الله جلو می‌برد، خوب است که این شرایط را در جای خود بررسی کنیم.

بنابراین تمدن نوین اسلامی راهی هموار برای رساندن اکثر و یا همه‌ی انسان‌ها به سر منزل مقصود و کمال است. چیزی که هدف تمام انبیاء و اولیاء الهی بوده و هست و تلاش در تحقق این مهم به معنای ادامه دادن راه آن‌ها است.

این تمدن دارای فرهنگ، سیاست، اقتصاد و علمی خواهد بود که در هر لحظه یک قدم انسان را به جلو می‌برد.

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیما بقیةالله فی الارضین.

وقتی که می‌خواهید از بذر یک درخت، درختی تنومند دیگری بسازید مطمئناً باید شرایطی را برای شکوفا شدن استعداد درخت شدن آن دانه فراهم کنید تا آن دانه از هم بشکافد، جوانه بزند، ریشه بدواند و در مسیر رشد و تعالی خود حرکت کند.

بنابراین اگر شرایط را برای این دانه فراهم کنید این دانه وارد مسیر رشد می‌شود چون ذاتاً توانایی این را دارد که درخت بشود و این استعداد به صورت بالقوه در آن است و باید بالفعل شود.

گاهی خود انسان‌ها بذر را می‌پاشند و شرایط را محیا می‌کنند تا آن دانه‌ها رشد کند، و گاهی نیز عوامل محیطی بدون دخالت انسان دست به دست هم می‌دهند تا یک دانه در شرایط مساعدی قرار بگیرد و رشد کند.

انسان همچون گوهری است که کمتر شناخته شده و مسیر رشد و پیشرفت او از نظر روحی و معنوی حد ندارد. استعداد های بیشماری دارد که معمولاً اکثر آن‌ها تا لحظه مرگ بر فرد هویدا نمی‌شوند.

حال سؤال اینجاست چگونه می‌توان شرایطی را ایجاد کرد که در آن انسان به کمال خود برسد و در مسیر پیشرفت خود گام بردارد؟

آیا به بستری مناسب برای شکوفایی استعداد های او نیاز نیست؟

ممکن است کسی بگوید کسانی هستند مانند اولیا الله که می‌تواند خود به تنهایی بر فضای موجود اطراف خود غلبه کنند و در آن صورت نیازی به تغییر فضای جامعه به صورت کلی و بستر سازی نیست.

بله کسانی بوده‌اند و هستند که این قابلیت را دارند ولی سؤال این است که تعداد این افراد چقدر است و یا به عبارتی چند نفر در یک جامعه‌ای که شرایط انسان کامل شدن در آن نیست به کمال

## ماهیت فرهنگ غرب (۳)

محمدعلی ابراهیمی

نابود شدن بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی، عادی‌سازی گناه توسط فرهنگ غرب و تبیین باطن فرهنگ غرب در شماره قبل به صورت مختصر مورد بررسی قرار گرفت، در این شماره به ادامه مباحث در ارتباط با ماهیت فرهنگ غرب می‌پردازیم:

### اصالة اللّٰه

آری اصالة اللّٰه بودن یکی دیگر از ویژگی‌های ماهیت فرهنگ غرب است، به این معنا که لذت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش می‌دانند و اصالت را به لذت بردن می‌دهند و خود را در انتخاب روش رسیدن به این لذت آزاد می‌گذارند، ازدواج و نهاد خانواده را بی‌معنا تلقی می‌کنند، البته در جامعه ما نیز کسانی هستند که این باور غلط را ترویج می‌کنند. (۱)

غرب انسان را موجودی آزاد و رها از هر بند و قیدی معرفی می‌کند انسان در این فرهنگ به عنوان موجودی معرفی می‌شود که برای برطرف کردن نیازهای حقیقی و نیازهای کاذب خود می‌تواند از هر طریقی اقدام کند که یکی از رکن‌های اساسی آن همین لذت بردن است، هر آنچه موجب لذت بردن بشود را مباح می‌دانند؛ یکی با اعتیاد لذت می‌برد، دیگری با شهوات جنسی لذت می‌برد، یکی با کتک زدن این و آن و...

حالا کسی نگوید که خب در اسلام هم لذت هست، بله هست اما شرایطی دارد، قوانینی دارد، راه و رسمی دارد، این‌طور نیست که در اسلام هر کس از هر طریقی که بخواهد بتواند لذت‌جویی کند، بلکه باید آن لذت بردن بر اساس دستور شریعت الهی باشد و به اصطلاح لذت حلال باشد، اما در فرهنگ غربی همان‌طور که اشاره شد هر آنچه موجب لذت بردن بشود را مباح می‌دانند و دیگر رضایت خدا برایشان مطرح نیست.

ایراد اساسی که به این فرهنگ هم وارد می‌شود همین است که دستورات الهی را کنار زده‌اند و خود خدای خود شده‌اند و برای روش زندگی خود به طور کامل نشان است که تصمیم می‌گیرند، منی که منقطع از خدا و وحی الهی و معنویت است و همه چیز را در ماده و چگونگی استفاده آن برای لذت بردن از زندگی البته با تعریف خودشان، خلاصه کرده‌اند.

و اسم این انقطاع را آزادی می‌گذارند، البته مد نظر آن‌ها بیشتر آزادی از حد و حریمی است که خدا تعیین کرده است، بیچاره‌ها گمان برده‌اند که خدا از محدود کردن انسان نفعی می‌برد، خیر این‌طور نیست، هر چه از سمت خدا برای ما فرستاده شده برای خود ماست، هدف خلقت را گم کرده‌اند، این که انسان برای چه خلق شده و اینکه ما انسان‌ها خلق شده‌ایم تا چه بکنیم با اینکه خلق شده‌ایم تا خدا چه بکند را اشتباه متوجه شده‌اند.

اصلا معاد را در نظر نمی‌گیرند و گمان نمی‌برند که کوچک‌ترین عمل انسان در معاد او تأثیر می‌گذارد، نگویند که برخی از مسلمان‌ها هم معاد و این چیزهایی که گفتید را در نظر نمی‌گیرند و ... بحث ما در اینجا این است که فرهنگ غربی در ذات خود این گونه است، ولی اسلام و فرهنگ اسلامی و الهی در ذات خود متصل به حقیقت و در جهت رساندن انسان به هدف خلقت است. حالا اگر شخص مسلمانی از فرهنگ و شریعت الهی و اسلامی فاصله می‌گیرد و خود را وام‌دار و تحت سیطره فرهنگ غربی و هر فرهنگ غیر الهی دیگر قرار می‌دهد، به خواست خودش بوده ولی عواملی در سوق او به آن سمت دخیل بوده که باید آن‌ها بررسی شوند و راه مقابله با آن نیز برای افراد مشخص شود، که ما آن را همان جهاد فرهنگی می‌نامیم.

یکی از دلایلی که به بررسی ماهیت فرهنگ غربی می‌پردازیم این است که چهره شرک‌آلود و دورکننده انسان از خدا و از هدفی که انسان باید دنبال می‌کرد تا به حضرت الله تقرب جوید آن هم در هر لحظه و در هر مکان و موقعیت، آشکار کنیم.

و جامعه خود و جامعه جهانی را از این دالان تاریک و آلوده‌ای که هر لحظه انسان را در غفلت و دوری از خدا می‌کشاند نجات دهیم.

انشاء الله خداوند به ما این توان را بدهد که به کمک یکدیگر هدفی را که انبیاء و اولیا دنبال می‌کردند را محقق کنیم و جامعه و تمدنی ایجاد کنیم که لحظه‌ای انسان را از یاد و ذکر خدا باز ندارد.

والسلام

۱- قوام گرفته از بیانات رهبری ۱۳۹۳/۱/۱

## ما و انقلاب (۳)

سعید ابراهیمی

سی که برای ما اهل علم و دانش مطرح است - این است که جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی را به درستی و دقت تمام بشناسیم. ما باید زمان خودمان را بشناسیم و بدانیم که احوالات زمان ما چگونه است و این زمان روی به کدام سمت و سو دارد و به کجا می‌رود. یکی از شروط لازم این امر این است که تاریخ اسلام، تاریخ ایران و تاریخ جهان را خوب بشناسیم. این امر از آن جهت اهمیت دارد که «گذشته است که امروز را بوجود آورده است» و ما اگر به تاریخ گذشته واقف نباشیم شرایط و احوالات امروز را نمی‌توانیم به درستی بشناسیم. باید این امر را بشناسیم و به دیگران بشناسانیم و بر این مبنی به پژوهش‌های علمی و تحصیل و تدریس بپردازیم. اساتیدی که به مبحث تخصصی علمی می‌پردازند، و در آرا گذشتگان نظر می‌کنند و به پژوهش می‌پردازند، اگر زمان‌شناس نباشند نمی‌توانند مشکلات زمان را تجزیه و تحلیل کنند و راه‌گذار از آن را بیابند و عملاً درگیر مباحث نظری صرف شده‌اند.

جای تأمل است که نسبت به انقلاب اسلامی بی‌تفاوت شده‌ایم. نسبت به انقلاب بی‌اهمیت نیستیم اما دغدغه «باید» را نداریم. همه ما انقلاب اسلامی را دوست می‌داریم. وقتی به قلب‌های خود رجوع می‌کنیم، تعلق نسبت به انقلاب و نظام اسلامی در خود می‌بینیم که با جان ما هماهنگ است. فرق است میان کسی که این تعلق در قلب او هست و کسی که این‌طور نیست. کسی که این تعلق قدسی در قلب او هست نمی‌تواند و نباید که انقلاب را پایان‌یافته ببیند. حُب به امام و انقلاب سبب می‌شود که وظایفی گریبان‌گیر ما بشود. در صورتی که این وظایف عملی بشود، هم ریشه این علقه باطنی را مستحکم‌تر می‌نماید و هم انسان را در سیر الی الله بیش از پیش، پیش می‌برد. این وظایف چیست؟ از ما انتظار می‌رود که این وظایف را بشناسیم، یکی از این وظایف -

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سعاد محمدی  
سردبیر: محمد علی ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: سعید ابراهیمی، محمد علی ابراهیمی  
خانم‌ها: پورکبیریان، سراج

پذیرای نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم.

وب نوشت:

[ahd57.blog.ir](http://ahd57.blog.ir)

پست الکترونیکی

[ahd.57@chmail.ir](mailto:ahd.57@chmail.ir)

کسانی که مایل هستند می‌توانند مقالات خود را به پست الکترونیکی ما ارسال کنند تا پس از بررسی، مقالات منتخب در نشریه چاپ شوند.

این نشریه با حمایت مادی و معنوی اداره کل امور فرهنگی دانشگاه اصفهان چاپ و منتشر می‌شود.

### درست باید حرکت کرد

دیدید جوانهای ما - جوانهای آن روز شما - در میدانهای جنگ، چگونه بی‌محابا وارد عرصه‌های خطر میشدند؛...چه در منطقه‌ی ایلام، چه در منطقه‌ی خوزستان، چه در منطقه‌ی استانهای غربی - این جوانها کجاها رفتند؛ چه کارها کردند؛ مرگ را تحقیر کردند؛ خطر را کوچک شمردند؛ [چون] دل اینها با حقایق آشنا شده بود. انسان وقتی آن طرف را ببیند، آن نعمت را ببیند، از آن طرف خاطر جمع باشد، راحت زندگی میکند، راحت فداکاری میکند، راحت بر مشکلات صبر میکند، راحت قدم در وادی‌های خطر میگذارد و پیش میرود؛ مسئله اینجا است.

ما اگر بخواهیم در مقاصد دنیوی هم پیروز بشویم، بایستی ایمان خودمان را، اعتقاد خودمان را، عمل خودمان را، برای آن‌سوی مرز مردن تقویت کنیم. امیرالمؤمنین میفرماید من میخواهم مردم را به بهشت برسانم؛ این وظیفه‌ی ما است. نهی از منکر باید بکنیم، امر به معروف باید بکنیم، وسائل عمل خیر و حسنات را در کشور فراهم کنیم، وسائل سُور و آفات را از دسترسها برداریم؛ این وظائف مسئولین حکومت است. ... فکرها را باید منتظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد.

امام خامنه ای ۱۳۹۳/۲/۲۳